

جزئیاتی از ملاقات روحانی و اقتصاددانان

دوشنبه گذشته رئیس جمهوری با برخی از صاحب‌نظران و دانش آموختگان اقتصادی دیدار کرد. نکته پررنگ جلسه دیروز، غیبت چهره‌های برجسته از طیف‌های فکری موجود در اقتصاد ایران بود. در این جلسه مباحثی در خصوص بازار ارز، اصلاح نظام بانکی، تقویت تیم اقتصادی دولت، حمایت از اقشار کم‌درآمد، تقویت تعامل با جهان، بهره‌گیری بیشتر از نظر اقتصاددانان در طرح‌های اقتصادی و موارد دیگر مطرح شد. همچنین رئیس جمهوری از اقتصاددانان درخواست کرد که شرایط ویژه کنونی را در تحلیل‌های خود مدنظر قرار دهند.

جزئیات نشست اقتصادی رئیس جمهور

اولین جلسه اقتصاددانان با رئیس جمهوری در روز دوشنبه، در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. در این جلسه، اقتصاددانان مباحث مدنظر درباره چالش‌های اقتصاد کشور را مطرح کردند و رئیس جمهوری نیز توضیحاتی را ارائه کرد. در این جلسه ۳۰ تن از اقتصاددانان جوان و پیشکسوت از دانشگاه‌های مختلف حاضر بودند؛ امار صورت لحاظ نکردن برخی چهره‌های برجسته، نمادهای فکری جریان‌های اقتصادی کشور حضور کم‌رنگی داشتند. از جمله چهره‌های غایب از طیف‌های مختلف فکری اقتصاد ایران می‌توان به محمد طبیبیان، موسی غنی‌نژاد، محمد مهدی بهکیش، مسعود نیلی، حسن درگاهی، محمد ستاری‌فر، فرشاد مومنی، عباس شاکری و... اشاره کرد. از این‌رو می‌توان گفت جلسه رئیس جمهوری با اقتصاددانان، پررونق برگزار نشد. رصد عکس‌های منتشر شده از جلسه دیروز نشان می‌دهد که از دانشگاه علامه طباطبایی یا دانشگاه شهید بهشتی، استادان دانشگاه مشارکت نداشتند که به‌نظر می‌رسد به‌رغم دعوت، این افراد در جلسه حضور نداشتند. در حالی که این گروه، جزو افرادی بودند که نامه اقتصاددانان به رئیس جمهوری را تهیه و تدوین کرده بودند. این جلسه از ابتدا قرار بود در ساعت ۹ تا ۱۱ برگزار شود؛ اما کمی دیرتر شروع شد و بیشتر از زمان مقرر، تا ساعت ۱۲ طول کشید. در این جلسه حدود دو ساعت اقتصاددانان موضوعات و دغدغه‌های خود را مطرح کردند و در مقابل رئیس جمهوری نیز در حد نیم ساعت موضوعاتی را در خصوص مباحث مطرح‌شده ارائه و از اقتصاددانان درخواست کرد که شرایط ویژه کشور را در نقدهای خود لحاظ کنند. به‌نظر می‌رسد ارسال نامه اقتصاددانان به دولت دلیل اصلی برگزاری این جلسه از سوی رئیس جمهوری بوده است. از تیم اقتصادی دولت، علاوه بر رئیس جمهوری، نوبخت، واعظی، نهاوندیان و تخت روانچی حضور داشتند. نکته قابل توجه در جلسه روز گذشته حضور علی ربیعی در این نشست بود. گفته می‌شود دلیل حضور ربیعی در راستای مسئولیت جدیدی و برای تعامل با صاحب‌نظران است. البته پیش از این رئیس جمهوری در ماه رمضان از اقتصاددانان برای مراسم افطار دعوت کرده بود، اما این نخستین جلسه رسمی اوبا صاحب‌نظران اقتصادی بود.

محورهای مورد بحث

موضوعات مطرح شده در این جلسه، درباره راه‌های برون‌رفت از رکود و ایجاد شتاب در رشد اقتصادی، وضع تورم، ضرورت تغییرات سریع و باورپذیر در هدف‌گذاری اهداف مدنظر اقتصادی، تقویت سیستم ارزیابی سیاست‌ها، دخالت دولت در بازار ارز، ضرورت مدیریت و کنترل تبعات شوک‌های اقتصادی برای مصرف‌کننده و تولیدکننده، تقویت تعامل با جهان، بهره‌گیری بیشتر از نظر اقتصاددانان در طرح‌های اقتصادی پیش از اجرا، ضرورت وجود فرماندهی برای مقابله با تحریم‌ها، ضرورت ارائه بسته‌های مشروط حمایتی از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، ضرورت توجه بیشتر به اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد بنگاه‌ها و تقویت تیم اقتصادی دولت بود. در نهایت به‌نظر می‌رسد که دو جریان فکری در روز دوشنبه در جلسه حاضر بودند که گروه نخست بر تثبیت قیمت‌ها و گروه دیگری بر آزادسازی قیمت‌ها تاکید داشت. به‌عنوان مثال احمد توکلی در خصوص نرخ ارز، بر تثبیت آن تاکید داشت. رئیس جمهوری معتقد بود که من از طرز تفکر هر دو جناح آگاهم؛ اما تا به حال هیچ کدام از این دو جریان نتوانسته‌اند، مرا در خصوص اتخاذ تصمیم حول یک موضوع اقناع کنند. در این خصوص اقتصاددانان معتقدند که نیاز است در خصوص هر موضوع کار گروهی تخصصی از هر دو گروه ایجاد شود تا شاید با جمع‌بندی و خروجی مشخص، دولت بتواند از نظر اقتصاددانان بهره‌ببرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی در این جلسه نقدهای جدی به عملکرد دولت داشتند و در مقابل پاسخ رئیس جمهوری به این نقدها، آگاه بودن رئیس جمهوری و تیم اقتصادی از مسائل مطرح‌شده در این جلسه بود. به گفته اقتصاددانان، فضای حاکم در این جلسه به شکلی بود که اکثر اقتصاددانان موضوعات و خواسته‌ها را به شکل صریح ارائه کردند.

نگاهی به بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

تهاتر بدهی‌ها جایگزین اصلاح ساختاری نیست



مهدی هادیان

کاهش حسابداری بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از طریق تهاتر بدهی‌های بخش دولتی، جایگزینی برای اصلاحات ساختاری نظام بانکی به منظور کاهش مشکلات آنها و بهبود ثبات مالی نیست. در سالیان گذشته بارها به موضوع بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و پیامدهای آن پرداخته شد و بسیاری نسبت به عوارض آن هشدار دادند. در اقتصاد ایران از اواسط دهه ۱۳۸۰، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به یک روند دائمی و فزاینده تبدیل شده و در سال‌های اخیر نیز به مرز هشدار رسیده است. یکی از مواردی که بعضاً به عنوان دلیل بروز این پدیده ذکر می‌شود، تصویب قانون ممنوعیت استقراض دولت از بانک مرکزی و شبکه بانکی در «بند ب ماده ۲ قانون برنامه چهارم توسعه» مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۸۳ است.

خبر

وزیر نفت:

قاچاق سوخت از همه مرزها با موفقیت انجام می شود

وزیر نفت ضمن ارائه اطلاعاتی درباره مذاکرات نفتی با روسیه و اروپا و همچنین تشریح وضعیت بازار نفت دربارہ احیای کارت سوخت و سهمیه‌بندی بنزین گفت: این موضوع در دولت در حال بحث و بررسی است.

به گزارش ایسنا، بیژن زنگنه در حاشیه چهارمین کنگره راهبردی و نمایشگاه نفت و نیرو در جمع خبرنگاران، درباره مذاکره با وزیر انرژی روسیه اظهار کرد: با وزیر انرژی روسیه درباره مسائل عمومی بازار و شرایط تحریم صحبت کردیم. آمریکا شرایطی را به بازار نفت تحمیل می‌کند، درواقع سوزنی به خودشان می‌زنند و بعد آخ می‌کنند و می‌گویند بیا باید مشکل ما را حل کنید. باید به آن‌ها گفت لازم نیست به خودتان سوزن بزنید. تحریم‌ها را بردارید تا قیمت‌ها درست شود و بازار از حالت بی‌تعادلی خود خارج شود.

وی با تاکید بر این که در بازار کمبود عرضه وجود دارد، افزود: هیچ کدام از تولیدکنندگان توان تولید بیش‌تری ندارند. عربستان از ذخایر خود استفاده می‌کند و در حال حاضر هم دچار چالش سیاسی با یکدیگر هستند.

در قالب این رویکرد، استدلال می‌شود، هر چند که با ابلاغ قانون مذکور به مرور بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی کاهش یافت ولی عدم بازپرداخت بدهی بخش دولتی به بانک‌ها سبب شد که در عمل بدهی بخش دولتی به بانک‌ها افزایش یابد. در نتیجه، از آنجا که بانک‌ها نیز از منابع کافی برای انجام تکالیف و تعهدات مالی دولت برخوردار نیستند، به منابع بانک مرکزی متوسل شده‌اند. در این گزارش تلاش شده است به ارزیابی این موضوع پرداخته شود.

نگاهی به نماگرهای پولی

طبق نماگرهای پولی، خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی از حدود ۶۰ درصد پایه پولی در سال ۱۳۸۲ به حدود ۵ درصد در خردادماه سال جاری کاهش یافته است. در مقابل طی همین مدت، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از حدود ۲۰ درصد پایه پولی به حدود ۶۰ درصد (معادل ۱۴۰ هزار میلیارد

تومان) افزایش یافته است. علاوه بر این، در حالی که از مجموع ۱۲ هزار میلیارد تومان خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی (مجموع بانک مرکزی و شبکه بانکی) در سال ۱۳۸۲، حدود ۶۰ درصد آن بدهی به بانک مرکزی و ۴۰ درصد آن نیز بدهی به شبکه بانکی بوده است، در خرداد ماه سال جاری از مجموع ۱۹۵ هزار میلیارد تومان خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی حداکثر ۵ درصد آن بدهی به بانک مرکزی و ۹۵ درصد مابقی بدهی به شبکه بانکی بوده است.

در نتیجه، آمارهای فوق بیانگر آن است که هر چند هدف قانون‌گذار از تصویب قانون مذکور، کاهش سلطه مالی، ترغیب دولت به مدیریت بدهی‌ها و هزینه‌ها و استفاده از سایر روش‌های تأمین مالی مانند انتشار اوراق مشارکت بوده است، اما عملاً کانال تأمین منابع کسری بودجه از بانک مرکزی به شبکه بانکی تغییر یافته است و در واقع

باید توجه داشت که

تهاتر بدهی‌ها، جایگزین اصلاحات ساختاری نظام بانکی نخواهد بود. تازمانی که رابطه دولت با بانک‌ها و رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی ساماندهی نشود، این نوع اصلاح حساب‌ها، در ثبات پولی و مالی اثربخشی نخواهد داشت و لذا مشکلات سیستم بانکی به صورت یک چرخه معیوب و فزاینده در حال گسترش خواهد بود

افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی جانشین کاهش خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی شده است.

بر اساس این رویکرد، به نظر، مقصر اصلی افزایش بدهی بانک‌ها

به بانک مرکزی، سلطه مالی دولت است و به همین جهت قرار است که برای حل همزمان مشکلات ترازنامه بانک‌ها، بخشی از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در قالب یک چرخه با بدهی دولت به پیمانکاران و بدهی پیمانکاران به بانک‌ها تهاتر شود.

در این خصوص توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

افزایش هزینه‌های تأمین مالی

ارقام فوق تجمیع شده و در سطح شبکه بانکی است، در حالی که اگر بصورت انفرادی و در سطح یک بانک بررسی شود، ممکن است بین بدهی آن به بانک مرکزی و خالص مطالبات آن از دولت ارتباطی وجود نداشته باشد. بنا بر این، هر چند که ممکن است بخشی از افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ناشی از افزایش بدهی بخش دولتی به بانک‌ها باشد، اما این امر لزوماً برای همه بانک‌ها به ویژه بانک‌های تجاری صحیح نیست.

یکی از دلایل اصلی افزایش بدهی این بانک‌ها به بانک مرکزی به‌خصوص در چند سال اخیر، ریشه در افزایش هزینه‌های تأمین مالی و تضعیف ساختار ترازنامه ناشی از پرداخت بهره‌های بالا به سپرده‌های بانکی و بازی‌های بانزی گونه در جذب سپرده توسط برخی بانک‌ها و موسسات اعتباری ناسالم دارد.

چرخه معیوب مشکلات نظام بانکی

طی دوره مورد بررسی، با وجود افزایش شدید خالص بدهی‌های بخش دولتی به سیستم بانکی، سهم آن از نقدینگی تقریباً نصف شده و از ۲۵ درصد به ۱۲ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، سهم بدهی بخش دولتی از دارایی بانک‌ها در سال ۱۳۸۲ حدود ۹ درصد بوده که در حال حاضر نیز همان میزان است. در مقابل یکی از اقلامی که سهم آن در نقدینگی و همچنین دارایی بانک‌ها به‌شکل معناداری افزایش یافته است «سایر دارایی‌ها» است که عمدتاً بحث دارایی‌های ثابت، املاک و مستغلات است.

بدیهی است در شرایطی که بخشی از دارایی‌های ثابت بانک‌ها

یکی از اقلامی که سهم

آن در نقدینگی و دارایی

بانک‌ها به‌شکل معناداری

افزایش یافته، سایر

دارایی‌ها است که عمدتاً

بحث دارایی‌های ثابت،

املاک و مستغلات است.

در شرایطی که بخشی از

دارایی‌های ثابت بانک‌ها

دچار انجماد شده و نسبت

قابل توجهی از تسهیلات

اعطایی آنها نیز معوق و

غیر جاری است، کیفیت

دارایی‌های بانک‌ها کاهش

یافته و ظرفیت وام‌دهی

آنها به شدت کاهش می‌یابد

در دوره‌ای به دلیل شرایط رکودی بازار دچار انجماد شده و قابلیت نقدشوندگی نداشته و علاوه بر آن نسبت قابل توجهی از تسهیلات اعطایی آنها نیز معوق و غیر جاری است، کیفیت دارایی‌های بانک‌ها کاهش یافته و ظرفیت وام‌دهی آنها به شدت کاهش می‌یابد.

تحت این شرایط، بانک مرکزی به عنوان آخرین وام‌دهنده ناچار به تأمین کسری منابع بانک‌ها و در نتیجه افزایش بدهی آنها می‌شود. بنابراین، ارتباط کلیت مساله افزایش بدهی بانک‌ها به موضوع سلطه مالی دولت تمام واقعیت نیست. در چنین فضایی نیز صرف رویکرد حسابداری به بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی و تلاش برای تهاتر آن کمکی به انضباط پولی نخواهد کرد.

باید توجه داشت که تهاتر بدهی‌ها، جایگزین اصلاحات ساختاری نظام بانکی نخواهد بود. تازمانی که رابطه دولت با بانک‌ها و رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی ساماندهی نشود، این نوع اصلاح حساب‌ها، در ثبات پولی و مالی اثربخشی نخواهد داشت و لذا مشکلات سیستم بانکی به صورت یک چرخه معیوب و فزاینده در حال گسترش خواهد بود.



در کشور گفت: وضع قاچاق بنزین الحمدالله خوب است و از همه مرزها با موفقیت انجام می‌شود! این موضوع هم شامل گازوئیل و هم شامل بنزین می‌شود. وی با اشاره به تفاوت نرخ سوخت در ایران و سایر کشورها گفت: برای مثال، هر تن گاز مایع در ایران ۱۰ دلار و در بازار ۵۰۰ دلار است. حتماً این موضوع باعث قاچاق می‌شود که باید برای آن تدبیری در نظر بگیریم. وزیر نفت با اشاره به تولید قیر در کشور گفت: از عجایب دنیا این است که تولید قیر در ایران ۵ میلیون تن و مصرف آن ۹ میلیون تن است که ۳ میلیون تن آن صادراتی می‌شود، ۴ میلیون تن به‌صورت رایگان برای راه‌سازی و ۲ میلیون تن آن مصرف داخل است. خودمان هم نمی‌دانیم چطور.

را کاهش دهد. من به آقای روحانی یادداستی نوشتم و ذکر کردم که در سخنرانی خود اعلام کنند، آمریکا مسئول قیمت‌هاست و برای کاهش قیمت باید تحریم‌ها را بردارد، البته آقای مکرون قبل از رئیس‌جمهور این موضوع را اعلام کردند.

وی با تاکید بر اینکه ترامپ بازار را نامتعادل کرده است، افزود: هر روز یک بمب خبری در بازار ایجاد می‌شود. ایران همیشه امنیت عرضه را برای بازار جهانی تضمین کرده است و الان هم همین‌طور است. ایران دنبال قیمت بی‌ربط و بالا نبوده و همیشه معتقد است که قیمت بالا برای مصرف‌کننده و تولیدکننده مضر است. اما زمانی که قیمت بالا می‌رود، مسئولیتی نداریم. زنگنه با اشاره به افزایش قاچاق سوخت

ترامپ فکر می‌کند می‌تواند با گردن کلفتی قیمت نفت را کاهش دهد

وزیر نفت با بیان این که نمی‌توان کمبود عرضه در بازار را با گردن کلفتی حل کرد، گفت: ترامپ فکر می‌کند می‌تواند با گردن کلفتی قیمت نفت را کاهش دهد.

زنگنه با تاکید بر این که ترامپ می‌خواهد هر کاری که دوست دارد انجام دهد، اظهار کرد: باید عکس‌العمل‌های بازار را بررسی کرد. بازار در حال حاضر ملتهب و به شدت نگران است و نگرانی بازار برای این روزها نیست، بلکه برای آینده است. کشورها تولیدکننده نفت یکی از پس دیگری تحریم می‌شوند اما این شرایط تا کی می‌تواند ادامه پیدا کند. آینده بازار چه خواهد شد؟ وی با تاکید بر اینکه بازار یک ساز و کار هوشمند دارد، گفت: همه در حال حاضر نگران هستند و ترامپ نتوانسته آن‌ها را قانع کند، به همین دلیل بازار مدام دچار مشکل می‌شود. ما هم جزو بازار هستیم.

بررسی درباره کارت سوخت ادامه دارد

زنگنه در ادامه با اشاره به مباحثی که درباره احیای کارت سوخت مطرح می‌شود، تاکید کرد: کارت سوخت امر پیچیده‌ای